

۱۲
 کنگه در جبهه علی و لاله حردان دارد + کبی نظر بر کبی و سوزن گلستان دارد ؟
 آن بر پیکره عورتش زخ غنچه دان + کبی نظر بر کبی و صل بدخشان دارد ؟
 مکرر شده و الله آن رسته مرور شد + جسم لسته بر لوتر عذقان دارد
 به نواز است ز رخسار گلی ماه سپهر + مکرر در خانه جو او با در خان دارد
 کرد خمار دلغوز خور باز کرم زلف + شش آد کخته بر ساقه ز کمان دارد
 کز تیر بینه بچشم صاحب او را مهری + سرم از تندگی سرو عرمان دارد
 مکرر بگزند گداز آن بر کوشش را + مکه بر بینه تخت مسان دارد
 گزینها و قوزیا بر بینه ماحه + کبی بدل عشق رفیع کتفان دارد ؟

دل ما بیدار تو اگر عاقل بر از
 خوشتر نگانه است که در وقت زهران دارد

مکتوب
 ۱۹۴۱
 ۱۹۴۱
 ۱۹۴۱

سره